

خیال‌پردازی‌های شبانه

گزینه‌ای از «نخستین نوشته‌ها»

اوکتاویو پاز
برندهٔ جایزهٔ نوبل ۱۹۹۰

ترجمه

فریبا گورگین



آثار استنادی

پاز، اوکتاویو، ۱۹۱۴-۱۹۹۸ م Paz, Octavio
گزینه‌ای از «نخستین نوشته‌ها» (خیال‌پردازی‌های شبانه) / اکتاویوپاز؛ ترجمه فریبا
گورگین؛ گزینش، مقدمه و یادداشت‌ها از انریکو ماریوسانتی. - تهران: مروارید، ۱۳۸۳.
ISBN 964-5881-98-6 ۳۲۲ ص.

گزینه‌ای از «نخستین نوشته‌ها» (خیال‌پردازی‌های شبانه): سال‌های ۱۹۴۳-۱۹۳۱.
عنوان اصلی: Vigilias: Una Selección de "Primeras Letras", 1931-1943, 1988.
فهرست‌نویسی براساس اطلاعات فیبا.
کتابنامه به صورت زیر نویس.

۱. ادبیات - تاریخ و نقد. الف. گورگین، فریبا، ۱۳۴۱ - مترجم. ب. سانتی،
انریکو ماریو، ۱۹۵۰ - م. گردآورنده و مقدمه‌نویس، Santi, Enrico Mario. ج.
عنوان. د. گزینه‌ای از نخستین نوشته‌ها: سال‌های ۱۹۴۳-۱۹۳۱. ه. عنوان: گزینه‌ای از
«نخستین نوشته‌ها» (خیال‌پردازی‌های شبانه).

۸۰۹ PQ۷۷۹۷/پ۲۶
۱۳۸۳

۴۰۴۷۷-۸۳ م کتابخانه ملی ایران



مرکز بین‌المللی گفتگوی تمدن‌ها



انتشارات مروارید

مرکز بین‌المللی گفتگوی تمدن‌ها؛ تهران، خیابان شهید لواسانی، پلاک ۹۱
انتشارات مروارید، تهران؛ خیابان انقلاب، روبروی دانشگاه تهران، ۱۳۱۲
ص. پ. ۱۶۵۴-۱۳۱۴۵ / تلفن ۶۴۰۰۸۶۶-۶۴۰۰۴۶-۶۴۱۴۰۲۷-۶۴۸۴۰۱۲-۶۴۸۴۶۱۲

morvarid_pub@yahoo.com
www.iketab.com

◆
خیال‌پردازی‌های شبانه
گزینه‌ای از «نخستین نوشته‌ها»

اوکتاویو پاز

ترجمه فریبا گورگین

چاپ اول اسفند ۱۳۸۳

ویراستار: تیمور گورگین

حروفچین: اشرف منصوری

چاپ گلشن

صحافی نوری

تیراژ ۲۲۰۰ جلد

ISBN 964-5881-98-6

شابک ۹۶۴-۵۸۸۱-۹۸-۶

۲۲۰۰ تومان

فهرست

۵	مقدمه مترجم
۹	سخن اوکتاویو پاز
۱۳	سخن انریکو ماریوسانتی درباره شیوه تحقیق
۲۱	پیش گفتار

بخش اول

خیال پردازی های شبانه ۸۳

۸۵	خیال پردازی ها ۱
۹۹	خیال پردازی ها ۲
۱۱۵	خیال پردازی ها ۳
۱۳۱	خیال پردازی ها ۴
۱۴۵	کار تو خالی
۱۴۷	بی گناهی

بخش دوم

بررسی کتاب های نویسندگان از نگاه نافذ "پاز" ۱۴۹

۱۵۱	اخلاق هنرمند
۱۵۷	فاصله و نزدیکی (مارسل پروست)
۱۷۳	خبر شعر معاصر مکزیک

۱۷۹	فرهنگ مرگ
۱۸۵	پابلو نرودا، در قلب
۱۹۹	امریکایی بودن اسپانیا
۲۰۵	دلیل بودن
۲۱۳	دریا (مرثیه و امید)
۲۱۹	اثری بدون قوز
۲۲۳	دعوت به رمان
۲۲۹	پوچی و راز
۲۳۵	لورنسو وارلا، "برج‌های عشق"
۲۳۹	مانوئل خوزه اوتون، "گلچین اشعار غنایی"

بخش سوم

شهادت‌ها ۲۴۱

۲۴۳	گواه‌های احساسات
۲۴۷	پاسخ به نظرسنجی "رومانسه"
۲۵۱	رقیب شعله
۲۶۱	شعر و اسطوره‌شناسی، اسطوره
۲۷۷	شعر و اسطوره‌شناسی، رمان و اسطوره
۲۸۹	شعر تنهایی و شعر مشارکت

بخش چهارم

تازه‌ها (۱۹۴۳) ۳۰۷

۳۰۹	واقع‌گرایی و شعر
۳۱۳	قلب شعر
۳۱۷	در مورد اخلاق

مقدمه مترجم

ترجمه آثار شاعر و نویسنده سترگ و پرآوازه مکزیکی، اوکتاویو پاز، جرأت و جسارت زیادی می‌طلبد. چه او از زبان‌آورترین و فرهیخته‌ترین اندیشمندانی است که صرف‌نظر از قریحه کم‌نظیر، از جهان‌بینی ژرف و شگرفی برخوردار است.

با داشتن بیست و دو سال سابقه فعالیت در کار ترجمه، هنوز خود را در آغاز راه می‌دانم و هدفم از ترجمه کتاب خیال‌پردازی‌های شبانه، گزینه‌ای از «نخستین نوشته‌ها» تنها خدمتی کوچک در راستای گفت‌وگوی فرهنگی میان دو کشور ایران و مکزیک در عصر گفت و گوی تمدن‌ها است.

از دیرباز، شوق و علاقه وافری نسبت به ترجمه آثار ادبی کشورهای اسپانیایی‌زبان، بویژه امریکای لاتین داشتم. از همین رو چند سال قبل که مجالی دست داد، از خانم ایرما نوایی، استاد ادبیات اسپانیایی (که در آن هنگام سرپرست بخش فرهنگی سفارت مکزیک بودند) درخواست کردم کتابی از نویسندگان بزرگ مکزیکی را برای ترجمه در اختیارم قرار دهند. ایشان رونوشت کتاب خیال‌پردازی‌های شبانه، گزینه‌ای از «نخستین نوشته‌ها» را به من سپردند.

تاخیر را جایز ندانستم و بر آن شدم که این اثر را به هنگام ترجمه کنم؛ بخصوص که نثر پاز از جاذبه‌ای خاص و اصیل بهره‌مند بود که مرا به

تلاشی مداوم و مداوم و امی داشت. اما به علت مأموریت‌های متعدد به خارج از کشور در کار ترجمه وقفه می‌افتاد. رهاورد سفری که دو سال پیش از این به مکزیک داشتم آشنایی با حال و هوای فرهنگ این کشور امریکای لاتین بود و همین امر اشتیاق به این ترجمه را در من بیش از پیش کرد؛ و سرانجام این مهم به انجام رسید.

به دلیل پهنآوری دامنه کار و مهجور بودن برخی از فصول آن از نظر موضوعی برای خوانندگان، به توصیه مدیر محترم انتشارات مروارید عزم بر آن کردیم در چاپ اول گزینه‌ای از مقالات را انتخاب کنیم و در چاپ‌های بعدی به تکمیل کتاب بپردازیم.

در مورد کتاب حاضر و محتوای آن در مقدمه بازوانریکو ماریوسانتی توضیحات کافی داده شده است و تفصیل بیشتر ثمری ندارد؛ اما به منظور آشنایی خوانندگان، قدری از سوابق تحصیلی و کاری خود را ذکر می‌کنم.

در ایران مقطع فوق‌لیسانس زبان فرانسوی را گذراندم ولی در دانشگاه سانتیاگو شیلی به علت تنگناهای کاری فوق‌لیسانس زبان‌شناسی را نیمه‌تمام رها کردم. در طی تمام این سال‌ها آنچه بیشتر زمینه فعالیت مرا دربر می‌گرفت، زبان اسپانیایی بود. شش سال در صدا و سیما، جمهوری اسلامی ایران، واحد برون‌مرزی، به عنوان مترجم و گوینده برنامه اسپانیایی، دو سال در رایزنی فرهنگی ایران در آرژانتین، دو سال در سفارت ایران در شیلی و حدود یک سال در سفارت ایران در مکزیک، همراه با همسر، مجید مهتدی حقیقی، استاد زبان اسپانیایی و مترجم رسمی دادگستری، به عنوان مترجم فعالیت داشتم. از سال ۱۳۷۵ تاکنون نیز در اداره کل مطبوعات و رسانه‌های خارجی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان مترجم متون مطبوعاتی اسپانیایی خدمت می‌کنم.

از همسر، مجید مهتدی حقیقی، استاد زبان اسپانیایی، که آشنایی من با این زبان ثمره آموزش‌های آکادمیک و روش‌مند اوست، سپاسگزارم.

همچنین از پسر آریا که با شکیبایی فراوانش به من فرصت و امکان ترجمه این کتاب را داد و از خانم ایرما نوابی به خاطر ارائه رونوشت کتاب حاضر و نیز از پدرم تیمور گورگین، شاعر، نویسنده و روزنامه‌نگار معاصر به خاطر ویرایش و پیرایش برخی از بخش‌های کتاب تشکر می‌کنم.

در پایان از آقای منوچهر حسن‌زاده، ناشر محترم نیز که در ترجمه این کتاب از تشویق‌ها و حمایت‌های ایشان بهره‌مند شدم، کمال امتنان را دارم.

فریبا گورگین

۱۳۸۳/۱۱/۱

سخن باز درباره نوشته‌هایش

■ رضایت:

وقتی "انریکو ماریوسانتی" Enrico Mario Santi به من پیشنهاد کرد نوشته‌های دوران جوانی‌ام را (که در مجلات و روزنامه‌ها به صورت پراکنده چاپ شده بودند) در یک کتاب چاپ کند، اولین واکنش من، پس از تعجب، منفی بود؛ چرا و برای چه؟ فکر کردم که در فراموشی، عدالتی نهفته است و نمی‌بایست به آن متن‌ها (که در صفحات روزنامه‌ها و مجلات نیم قرن پیش مدفون شده بودند) دست بزنیم. آنگاه اجازه دادم، این فکر بر من چیره شود و در نهایت به آن تن در دادم.

با وجود این، چون یقین دارم که بسیاری از آن نوشته‌ها، سزاوار بازسازی نیستند، از وی خواستم که با سخت‌گیری، گلچینی تهیه کند. "سانتی" شرط و قرار مرا پذیرفت، تنها همان‌گونه که وی در مقدمه خود شرح می‌دهد، معیار وی نمی‌توانست کاملاً بر معیار من منطبق باشد. به نظر وی — به عنوان یک مورخ و منتقد — متون به مثابه اسناد هستند، در حالی که از نظر من ادبیات شمرده می‌شوند؛ این تنها و یا حادترین مشکل موجود نبود. ادبیات به کجا ختم می‌شود و تاریخ روانشناسی و تذکره نویسی از کجا آغاز می‌گردد؟

"سانتی"، بایگانی‌های ادواری روزنامه‌ها و مجلات، کتابخانه‌ها و

آرشیوها را زیر و رو کرد. دست‌نوشته‌ای (بیش از ۵۰ صفحه) برای من فرستاد. او در برابر حیرت و شگفتی من، پاسخ داد که با رعایت توصیه‌های من، صفحات بسیار دیگری را کنار نهاده است. دست‌نوشته‌ها را با حیرت، شرم، اضطراب و ناباوری خواندم. آیا واقعیت داشت که این همه صفحات را من نوشته بودم؟ خود را به زحمت در آن‌ها باز شناختم. آیا آن زبان به من تعلق داشت؟

و سوسه منصفانه سوزاندن دست‌نوشته‌ها را در خود احساس می‌کردم. بی‌درنگ پوچی این حرکت را به خود هشدار دادم. این نوشته‌ها، همه‌شان چاپ شده بودند و دیگر جزو اموال عمومی محسوب می‌شدند. آنچه در برابر دیدگان خود داشتم، نسخه‌های کپی کاغذهای چاپ شده بود. در ضمن نمی‌توانستم بار دیگر آن‌ها را دفن کنم! این، ناسپاسی و بی‌حرمتی به درخواست و تلاش‌های "سانتی" سخاوتمند بود که با آن همه دوستی، آن یاهو سرایی‌ها را جست‌وجو و گردآوری کرده بود. افزون بر آن، مقاله وی در مقدمه کتاب، نمونه‌ای از روشن‌بینی و تیزبینی کم‌نظیر اوست.

جدا از دلایلی که بر شمردم، دلیل دیگری نیز هست که در نهایت مرا راضی و خشنود کرد: این صفحات، از هرازشی که برخوردار باشند، اسنادی هستند که برای مطالعه تاریخ ادبیات مکزیک، در دوره‌ای که از نظر آثار و رویدادهای ضمنی غنی بود، می‌توانند مورد استفاده قرار گیرند. سال‌های بین ۱۹۳۱ تا ۱۹۴۳، به دلایل مختلف، قابل توجه بودند "خوسه گوروستیسا José Gorostiza"، "مرگ بی پایان" و "خاویر ویلاورتیا Villaurrutia"، "Javiér"، "دل‌تنگی مرگ" را منتشر کرد. "آلفونسوریس" Alfonso Reyes و "مارتین لوئیس گوسمن" Martín Luis Guzmán، پس از یک غیبت طولانی به مکزیک بازگشتند و در اینجا کار نگارش آثار خود را ادامه دادند. "خوسه وسکونسلوس" José Vasconcelos، سه جلد از خاطرات خود که کتابی مهم در تاریخ معنوی امریکای اسپانیایی زبان بود—را نوشت و چاپ کرد. یک نسل جدید ادبی پدیدار گشت که نام چند تن از آنان در اینجا

ذکر می‌شود: "خوسه رووئلتاس" José Revueltas، "افرایین اوئرتا" Efraín Huerta، "علی چوماسرو" Ali Chumacero، "نفتالی بلتران" Naftali Beltrán و "خوسه لوئیس مارتینز" José Luis Martínez؛ همچنین، مجلات متعددی چاپ و منتشر شدند: "تایر" Taller "تیرانوئا" Tierra Nueva، "لتراس د مخیکو" Letras de México و "آل ایخو پرودیگو" El Hijo Pródigo؛ خلاصه این‌که بسیاری از نویسندگان اسپانیایی تبعیدی، در مکزیک مستقر شدند: "سرنودا" Cernuda، "دییس کاندو برگامین" Díez Canedo Bergamín، "پرادوس" Prados، "آلتولاگیره" Altolaguirre، "کارنر" Carner، "خیل آلبرت" Gil Albert، "ماکس آئوب" Max Aub و عدهٔ بی‌شمار دیگر. بررسی‌های مختلفی در مورد نفوذ مؤثر روشنفکران اسپانیایی تبعیدی، به ویژه در دانشگاه و محافل فلسفه و علوم انسانی، به چاپ رسید؛ در مقابل، شمار بررسی‌هایی که مطلقاً به جنبه‌های ادبی این نفوذ پرداخته باشند، انگشت شمار است. این تأسف‌آور است؛ چون ادبیات، میدان و محل انتخاب شده برای ملاقات مکزیک‌ها و اسپانیایی‌ها بود. مجموعهٔ تأثیرات متقابل روشنفکران این دو ملت (همان‌گونه که در این کتاب می‌توان مشاهده کرد) عمیق و پایدار بوده است.

نوشته‌های این صفحات، شاهی است بر سال‌های یادگیری جوانی عاشق شعر و ادبیات، که باید مانند آن دستورها، پیکان‌ها، هشدارها و علایمی که در جاده‌ها و راه‌ها به چشم می‌خورند، خوانده شوند؛ ولی مسیر معینی را نشان نمی‌دهند. این نوشته‌ها، آثار رفت و آمدها، تردیدها و یقین‌های زودگذر کاوشی میان بناهای یادبود و مقبره‌ها، شنزارها و سراب‌های ادبیات هستند؛ آیا این جوان، در جست و جوی کمال، زیبایی و بیان احساسات خود بوده است؟ و یا شاید در جست و جوی همدلی و مشارکت. کاوشی به تنهایی و با این حال سرشار از خیال‌ها و نجواها؛ صدای تحسین‌ها و نفرت‌های من، اوها و ما، الهام‌های من. ادبیات یک گفت و گوی تک نفره و گفت و گویی با دیگران و با خود ما، با دنیای اینجا و دنیای آنجاست.